

دادگاه لاهه حق اعتصاب را تایید کرد!

شهلا دانشفر، صفحه ۱۰



پاسخ مردم: بایکوت جهانی جمهوری اسلامی

بخش کوتاهی از مصاحبه حسن صالحی با حمید تقوایی در برنامه "پاسخ"، صفحه ۸

نامه سرگشاده به نمایندگان کارگران جهان در کنفرانس سالانه

یاشار سهندی، صفحه ۳

اینترنت آزاد و غیرطبقاتی حق مردم ایران است!

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، صفحه ۴

ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام و اعتراضات کارگران پترونا

اعتراضات در بخشهای مختلف جامعه رو به رشد است،

صفحه ۹

اخباری از اعتراضات کارگری و مردمی صفحه ۸

مدیای اجتماعی

گزارش سالانه عفو بین الملل درباره مجازات اعدام، صفحه ۲

قطعنامه پارلمان اروپا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، صفحه ۷

با قدرت هرچه بیشتر به اعتراضات باز خواهیم گشت، صفحه ۱۱

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود، صفحه ۱۲

پیمان آوریل علیه اعدام با ۱۱۴ امضا، صفحه ۱۳

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۳۷

۴ خرداد ۱۴۰۵

۲۵ مه ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

کارگران زندانی را دریابیم!

- کاظم نیکخواه

صفحه ۲

از یک لیوان شیر تا محلول

سیانور پتاسیم؛ سرمایه داری

یا سوسیالیسم - یاشار سهندی

صفحه ۵

به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

FREE THEM NOW



DURING THE BLOODY CRACK-DOWN ON PROTESTS BY THE ISLAMIC REGIME, TENS OF THOUSANDS HAVE BEEN ARRESTED. WITH THE OUTBREAK OF THE WAR, ARRESTS HAVE INCREASED. AMONG THOSE DETAINED ARE NUMEROUS LABOR ACTIVISTS, TEACHERS, NURSES, AND CHILD RIGHTS ADVOCATES.

ALL DETAINEES FROM THE JANUARY MASSACRE, ALONG WITH ALL POLITICAL PRISONERS, MUST BE RELEASED IMMEDIATELY AND UNCONDITIONALLY.

ABBAS-DERIS SEDIGH MOHAMMADI M. BAKHTYARI M. ZOHRAI BEHZAD HAMATI SEPEDEH-GHOLYAN

K. MORADIAN R. MORADI I. EBRAHIMZADEH M. RAOUF SINA KIANI Y. AHMADINEZHAD

ELHAM SALEHI M. NARIMANI KH. A. ESMALI F. YEKTAIE M. H. MOSTAFA M. MEYDARIAN M. KHODAEI S. SATTARINEZHAD A. HEKMATIRAD

F. RAHMANI A. IMANMOTLAGH A. SHAPORI MEHDI NAZARI MASOUD KIANI SHERVIN HAMIDEH REZA TAHERI BEHZAD GHAVINI IRAJ TOBEHEIHA

A. JAHANDIDEH AMIR RAHIMI S. DADDEGH CHEHRAZI BAKHTYAR REZVANI M. ALI ZAHMESH M. FARAHSHANDEZ A. JALALINEZHAD A. KHADAM

H. KHASTAR JAVAD L. NAHRO A. MARDASI A. KARIMGOLAN ALI AHMADI M. FARAHSHANDEZ KEUMARS VAZEI A. KHORAN KARIM GOLAN

R. AMANIPAR KOKAB. BOOAGHI ASGHAR HAJEB MOHAMMAD H. SEPEHRI SADEGH SEDGHAT M. H. DAVOUDI AHMAD ALIZADEH H. RAMAZANPOR

BOYCOTT THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!
THE LEADERS OF THIS REGIME MUST BE TRIED IN THE INTERNATIONAL
TRIBUNALS FOR THEIR CRIMES

WOMAN LIFE FREEDOM

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

کارگران زندانی را دریابیم! - کاظم نیکخواه

در جریان اعتراضات دی ماه و همچنین موج‌های اعتراضی پیش و پس از آن، شمار زیادی از کارگران و افسار زحمتکش به گلوله بسته شدند و جانشان را از دست دادند و هزاران نفر نیز دستگیر و زندانی شدند. بسیاری از این افراد نه فعالان شناخته‌شده سیاسی، بلکه کارگرانی بودند که در اعتراض به فقر، بیکاری، دستمزدهای معوقه و کلا شرایط غیرانسانی زندگی به خیابان آمدند. جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر تلاش کرده است با سرکوب شدید، صدای اعتراضات مردمی را خاموش کند و اکنون با اجرای احکام اعدام معترضان، مرحله‌ای خطرناک‌تر از سرکوب را آغاز کرده است.

نکته ای که اینجا می‌خواهم تأکید کنم و کمتر مورد تأکید قرار گرفته است اینست که در میان زندانیان سیاسی و معترضان بازداشت‌شده، کارگران از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند. آنان برخلاف چهره‌های شناخته‌شده سیاسی یا اجتماعی، اغلب از امکانات مالی و رسانه‌ای برخوردار نیستند. بسیاری از این کارگران حتی اگر اجازه یابند، توانایی مالی گرفتن وکیل مستقل را ندارند. خانواده‌های این کارگران نیز زیر فشارهای امنیتی و تهدیدهای حکومتی قرار می‌گیرند تا درباره وضعیت عزیزان خود سکوت کنند. حکومت با استفاده از ترس، بی‌اطلاعی و فشار اقتصادی، خانواده‌ها را مرعوب می‌کند تا صدای زندانیان کارگر و حتی کارگران اعدامی به بیرون نرسد.

شرایط خانواده‌های این زندانیان بسیار دشوار است. اکثر این کارگران، نان‌آور خانواده بوده‌اند و با بازداشت یا اعدام آنان، خانواده‌ها در فقر و بی‌پناهی رها شده‌اند. کودکانی که پدر یا مادر خود را از دست داده‌اند، زنانی که بدون هیچ پشتوانه‌ای مانده‌اند و خانواده‌هایی که حتی توان تأمین هزینه‌های اولیه زندگی را ندارند، بخشی از واقعیت تلخی است که کمتر درباره آن سخن گفته می‌شود.

اعدام معترضان، تنها گرفتن جان چند انسان نیست؛ بلکه پیامی از ارباب به کل جامعه است. در این میان، کارگران بیش از همه هدف قرار گرفته‌اند، زیرا اعتراض آنان مستقیماً به بی‌عدالتی اقتصادی و ساختار نابرابر جامعه گره خورده است. شمار قابل توجهی از کسانی که در جریان اعتراضات اعدام شدند یا احکام سنگین گرفتند، از طبقات فرودست و کارگری بودند؛ کسانی که صدایی در رسانه‌ها نداشتند و نامشان کمتر شنیده شد.

گزارش سالانه عفو بین‌الملل درباره مجازات اعدام

در جهان برای جرایم مواد مخدر، ۹۹۸ مورد در ایران انجام شده است؛ آماری که نشان‌دهنده نقش پررنگ سیاست‌های سخت‌گیرانه جمهوری اسلامی در «جنگ با مواد مخدر» است. عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که این نوع مجازات‌ها با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر مغایرت دارد.

در کنار ایران، کشورهایی مانند عربستان سعودی، آمریکا، مصر و سنگاپور نیز افزایش اعدام‌ها را ثبت کردند، اما همچنان تنها تعداد محدودی از کشورها مجازات اعدام را اجرا می‌کنند. در مقابل، روند جهانی به سمت لغو این مجازات ادامه دارد؛ به‌طوری که اکنون ۱۱۳ کشور مجازات اعدام را به‌طور کامل لغو کرده‌اند و بیش از دو سوم کشورهای جهان در قانون یا عمل آن را کنار گذاشته‌اند.

عفو بین‌الملل هشدار داده است که افزایش شدید اعدام‌ها، به‌ویژه در ایران، نشانه گسترش سیاست‌های مبتنی بر ترس و سرکوب است، اما همزمان تأکید می‌کند که جنبش جهانی برای لغو مجازات اعدام همچنان رو به پیشرفت است. (از مدیای اجتماعی)

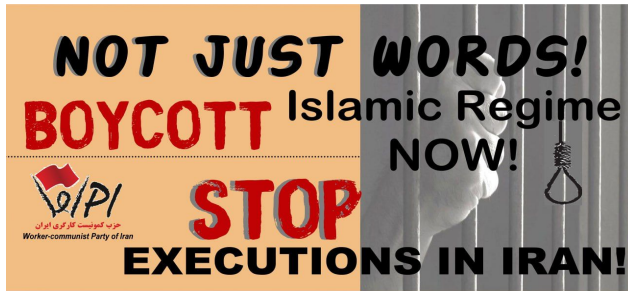
گزارش سالانه عفو بین‌الملل درباره مجازات اعدام در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که شمار اعدام‌های ثبت‌شده در جهان به ۲۷۰۷ مورد رسیده؛ بالاترین رقم در ۴۴ سال گذشته. محور اصلی این افزایش، جمهوری اسلامی ایران بوده است. بر اساس گزارش، ایران با دست‌کم ۲۱۵۹ اعدام، بیش از ۸۰ درصد کل اعدام‌های ثبت‌شده جهان را به خود اختصاص داده و آمار اعدام‌هایش نسبت به سال ۲۰۲۴ بیش از دو برابر شده است. عفو بین‌الملل حکومت ایران را عامل اصلی این جهش جهانی معرفی می‌کند و می‌گوید مقام‌ها از اعدام به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ترس، سرکوب مخالفت‌ها و نمایش قدرت استفاده می‌کنند.

بخش بزرگی از اعدام‌ها در ایران به جرایم مرتبط با مواد مخدر مربوط بوده است. از مجموع ۱۲۵۷ اعدام ثبت‌شده

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

نامه سرگشاده به نمایندگان کارگران جهان در کنفرانس سالانه ILO - یاشار سهندی



با درود به شما

هر ساله که کنفرانس سالانه سازمانی جهانی کار در شهر ژنو برگزار میشود، ما کارگران ایران به اشکال گوناگون، چه از طریق تشکلهای کارگری که به همت خود کارگران زیر سایه سنگین بازداشت و شکنجه و زندان و اعدام، در یک کلام سرکوب بی نهایت خشن و بی رحمانه در داخل ایران به فعالیت مشغول هستند، و چه از طریق فعالین سیاسی تشکلهای مختلف خارج از کشور ایران، که هر کدام از این تشکلهای نماینده گرایشهای مختلف در درون جنبش کارگری ایران هستند، نسبت به حضور سرکوبگران کارگران ایران در اجلاس سالانه آن سازمان معترض بوده اند.

این به اصطلاح "نمایندگانی" که از طرف جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه آن سازمان حضور دارند مستقیماً در سرکوب کارگران نقش داشته اند و دارند. در این خصوص می توان به نمایندگان "خانه کارگر جمهوری اسلامی" اشاره کرد. این تشکل ابتدا "خانه کارگر" نام داشت که تشکلی مستقل بود برای دفاع از منافع کارگران. اما بعد به ضرب چماق و اسلحه ژ سه، در ابتدای دهه ۸۰ میلادی توسط چماق داران حکومت تصرف، شد و "خانه کارگر جمهوری اسلامی" نام گرفت. و برخی از سران کنونی این تشکل، اگر اسم و رسمی دارند بخاطر همین اقدام سرکوب گرانه شان و تلاش برای منکوب کردن نمایندگان واقعی کارگران در طول سالهای گذشته بوده است. یکی از ایشان افتخارش این است که در یورش به کارگران شرکت واحد تهران، که جسارت کرده و سندیکای مستقل خود را دور از چشم دستگاههای امنیتی شکل دادند، نقش داشته و در تلاش بوده که زبان یکی از اعضای این سندیکا را با چاقو ببرد.

و حتما میدانید که همه کسانی که به عنوان نمایندگان "شوراهای اسلامی کار" در آن اجلاس حضور دارند نمایندگان منتخب حکومت اسلامی هستند. این نمایندگان قبل از هر چیز باید به تأیید دستگاه امنیتی حکومت سرکوبگر اسلامی رسیده باشند، تا بعد بتوانند کاندید نمایندگی این تشکل شوند. تشکلی که بین کارگران ایران به "تشکل سیاه" معروف است.

همگی ایشان نقش مهمی در محکوم کردن طبقه کارگر به فقر مطلق دارند. و این کار را به اسم "سه جانبه گرایی" که از سوی آن سازمان توصیه میشود انجام میدهند. این به اصطلاح نمایندگان هر ساله، در پایان سال

در ایران، پای سندی را امضا میگذارند که دستمزد پایه کارگران را چندین برابر زیر خط فقر تعیین میکنند. و نکته جالب اینجاست که خود ایشان آنرا "سرکوب مزدی" میدانند! اما هر ساله کار ایشان تأیید و توجیه "سرکوب مزدی" است که مصوب کرده اند.

در شرایط جنگی کنونی که بر ایران حاکم است، این به اصطلاح نمایندگان، مدافع حکومتی هستند که با اخراج وسیع کارگران (که مراکز کار آنها در نتیجه جنگ افروزی های حکومت و توسط اسرائیل و آمریکا با بمباران از بین رفته است)، بدون هیچ پشتوانه مادی و معنوی ای از کار است و بدین گونه عملاً آنها را به گرسنگی و آوارگی در کف خیابان محکوم کرده اند.

همانگونه که اطلاع دارید از ۲۸ فوریه که شروع جنگ اخیر در ایران بود، اولین اقدام جمهوری اسلامی در جهت تداوم سرکوب که در پوشش جنگ شدت یافته است، قطع اینترنت بوده است، که عملاً به طور مستقیم معیشت و امنیت، بنابه برخی آمار ۱۰ میلیون نفر را به نابودی کشانده است. این مثلاً نمایندگان کارگران ایران به بهانه "امنیت"، و اینکه "نهادهای امنیتی" چنین تصمیمی گرفته اند، و ایشان صددرصد خود را تابع این نهادها میدانند، مدافع این ضربه سنگین به معیشت و امنیت جمعیت عظیمی از کارگران هستند.

همین روزها که در شرایط نه جنگ و نه صلح بسر میبریم، این حکومت برای ایجاد هراس، برای جلوگیری از هر اعتراضی، اعدامها را گسترش داده است؛ و از سوی رئیس قوه قضاییه این حکومت روزی نیست که مردم ایران به قتل توسط طناب دار و مصادره اموال تهدید نشوند. این نمایندگان، نماینده همچنین حکومتی هستند نه نماینده کارگران.

من به عنوان یک کارگر، که همه عمرش در کف کارگاهها سپری شده، یا در واقع تباه شده است، در دفاع واقعی از منافع کارگران در ایران، خواستار اخراج نمایندگان سرکوب کارگران و مشخصاً اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار هستم.

**Islamic Regime of
Iran out of ILO**
Free Them now



اینترنت آزاد و غیرطبقاتی حق مردم ایران است!

قطع اینترنت در ایران تنها خاموش کردن یک ابزار ارتباطی نیست؛ این اقدام مثل اعدام و زندان و شکنجه به ابزار سرکوب تبدیل شده است. جمهوری اسلامی با قطع اینترنت و گردش آزادانه اطلاعات به افزایش کنترل و سانسور حکومتی می پردازد و زمینه را برای جنایات بیشتر توسط حکومت آماده میکند. هر بار که اینترنت در ایران قطع شده و خاموشی بر همه جا سایه انداخته است، دیده ایم که رژیم چگونه دست به کشتار زده است. آبان ۹۸ و دی ماه ۱۴۰۴ را دیده ایم و تجربه کرده ایم.

قطع اینترنت در ایران یعنی خفه کردن صدای مردم. نه اینکه اعتراضی وجود نداشته باشد؛ اعتراض هست، اما دیگر دیده و شنیده نمی شود. جمهوری اسلامی با قطع اینترنت می کوشد روایت خود از اوضاع را به روایت غالب و عمومی تبدیل کند. خاموش کردن اینترنت تنها سرکوب سیاسی نیست؛ معیشت مردم را نیز هدف قرار می دهد. بسیاری از شهروندان با قطع اینترنت از کار و درآمد می افتند، زیرا زندگی و معاششان به اینترنت وابسته است. قطع اینترنت یعنی محروم کردن بخشی از جامعه از زندگی عادی؛ یعنی ساقط کردن شهروندان از حق کار، ارتباط و حضور در جامعه. صدای مردم در اعتراض به قطع اینترنت در همه جا بلند است. اینترنت بین المللی باید فوراً در دسترس مردم قرارگیرد. دسترسی نابرابر و کنترل شده به اینترنت باید فوراً برداشته شود. این حق همه شهروندان است که به اینترنت آزاد و یکسان دسترسی

داشته باشند. از این خواسته ها در همه جا حمایت کنید و در هر اعتراض و تجمعی با صدای بلند این خواسته ها را فریاد بزنید!
کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۱۹ مه ۲۰۲۶
تماس با کمیته سازمانده: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام و اعتراضات کارگران پتروناد



به اعدام در کوی و برزن بوده اند درخواست می کنیم صدای ما را به گوش وجدان های بیدار در جوامع بین المللی برسانند.

ادامه اعتراضات کارگران اخراجی پتروشیمی پتروناد

روز ۲۸ اردیبهشت کارگران اخراجی پتروشیمی پتروناد برای چهارمین روز متوالی در اعتراض به اخراج بیش از ۲۰۰ کارگر این مجتمع با خواست بازگشت به کار خود مقابل فرمانداری بندرامام استان خوزستان تجمع کردند.

زیر فشار اعتراضات کارگران در پایان هفته گذشته فرمانداری بندر امام با حضور مسئولان در منطقه طی مصوبه ای دستور بازگشت به کار ۵۰ نفر از کارگران اخراجی را صادر کرد. اما این کارگران نیز هنوز سر کارشان بازنگشته اند. کارگران خواستار بازگشت به کار همه اخراجی ها هستند. بسیاری از کارگران اخراجی از جمله استادکاران فیترو، سیویل، جوشکار و موتناژکار هستند که بیش از دو سال در این شرکت کار کرده اند و برخی حتی سابقه بیشتری دارند. شرکت پتروناد تولید کننده مواد اولیه پتروشیمی مورد استفاده در صنایع دارویی و برخی صنایع دیگر بوده و در حال تبدیل شدن به ۷ واحد مختلف است.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۱۶ مه ۲۰۲۶

ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام

امروز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» در ۵۶ زندان مختلف هفته صدویست و یکم خود را پشت سر گذاشت. در بخشی از بیانیه هفتگی این کارزار آمده است: "ما بارها گفته ایم که اعدام، صرف نظر از نوع اتهام، تنها اجرای یک حکم ناعادلانه قضایی که حق حیات را از انسان سلب می کند نیست بلکه مهم ترین ابزار سرکوب و قتل حکومتی است که ریشه های عمیق سیاسی، طبقاتی و ایدئولوژیک در حاکمیت ولایت فقیه دارد. این ابزار برای ایجاد وحشت در میان مردم به کار گرفته می شود تا مستمیدگان را به تسلیم وادار کند، اما زهی خیال باطل!

اگر امروز حکومت جوانان را یکی پس از دیگری به دار می کشد، به خوبی می داند که این جوانان با تمام وجود تبعیض طبقاتی را لمس کرده اند و از فساد و غارت سیستماتیک حاکمیت آگاهند. آن ها را اعدام می کند تا بترساند، اما غافل از آن که این خشونت نه تنها خاموش کننده نیست، بلکه در دل ها بذر آگاهی، مقاومت و خیزش می کارد. ما باور داریم در برابر این اعدام ها نباید مقهور شد. کارزار نه به اعدام، یک گام ضروری به سمت عدالت و آزادی و رفع هرگونه تبعیض و ستم در ایران فردا است. مخالفت آشکار و عملی با اعدام یک سنجه بسیار مهم و تعیین کننده و سنگ محک واقعی برای مبارزان امروز است.

ما در کارزار سه شنبه های نه به اعدام به عنوان بخشی از جنبش نه به اعدام از تمام فعالان سیاسی، حقوق بشری، صنفی و مدنی می خواهیم برای توقف اعدام بیش از پیش متحد شوند و از کارگران و معلمان و دانشجویان و بازنشستگانی که تاکنون صدای بلند نه



از یک لیوان شیر تا محلول سیانور پتاسیم؛ سرمایه داری یا سوسیالیسم - یاشار سهندی

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جذاب، انسانی و اخلاقی به نظر می‌رسد، اما... (خواننده کمی حوصله کند!) ایشان جسارت کرده و پرسیدند: "چه کسی می‌تواند با ایده زیبای برابر بودن انسان‌ها و از بین رفتن فقر مخالفت کند؟" ما که هیچ مخالفتی نداریم، اما خود ایشان مخالف این "ایده زیبا" هستند برای همین مرقوم فرمودند: "...این دیدگاه، بر پایه یک سری سوءتفاهم‌های عمیق و بنیادی درباره ماهیت ثروت، نحوه عملکرد اقتصاد و رفتار انسان‌ها بنا شده است." توجه کردید: یک سری سوءتفاهم‌های عمیق و بنیادی، نه فقط یک عدد سوتفاهم!

مقاله فوق نوشته شده که ثابت کند توزیع عادلانه و عدالت اجتماعی عین ظلم است. چرا که به گفته ایشان: "بازار آزاد (شما بخوانید سرمایه داری) نه تنها کارآمدترین سیستم برای تولید ثروت است، بلکه در ذات خود، دموکراتیک‌ترین و عادلانه‌ترین سیستمی است که در آن هر فرد بر اساس ارزشی که داوطلبانه برای دیگران خلق می‌کند، پاداش می‌گیرد."

ایشان اصرار دارد که: "بسیاری از روشنفکران از شنیدن این حرف که «بازار عادلانه است» خشمگین می‌شوند،... و بازار را... یک جنگل بی‌قانون می‌بینند." اما به روایت ایشان در: "بازار آزاد... احترام به مالکیت خصوصی، ممنوعیت استفاده از زور و تقلب حرف اول را می‌زنند... شبیه به یک شبکه ارتباطی عظیم عمل می‌کند. قیمت‌ها در این سیستم، مانند سیگنال‌های رادیویی هستند که اطلاعات را منتقل می‌کنند..." اگر قیمت‌ها افزایش یافت و کالا دچار کمبود شد: "...تولیدکنندگان به طمع کسب سود، به سرعت وارد عمل می‌شوند (آفرین!) و با افزایش تولید، نیاز مردم را برطرف کرده (صد آفرین!) و مجدداً قیمت‌ها را کاهش می‌دهند." بهمین خوشمزگی! همین روزها این روند شیرین را داریم سخت تجربه می‌کنیم، منتها به صورت معکوس!

در مقاله مذکور تاکید شده است: "ارزش یک کالا یا خدمت، نه از میزان عرق ریختن برای آن، بلکه از میزان سودمندی آن برای مصرف‌کننده ناشی می‌شود." (بر منکرش لعنت!) اما برای اینکه یک کالا که فرض بگیریم سودمند هم هست تولید شود (از این بگذریم که بسیاری از کالاها در نظام سرمایه داری وجود دارند که نه تنها سودمند نیستند بلکه بر اساس نیاز کاذبی است که خود سیستم تولید کرده است. از این هم بگذریم بسیاری از کالاها هستند که بسیار مخربند و جان و زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کنند، اما به صورت انبوه تولید میشوند، البته نویسنده مذکور خاطر خودش را بابت این چیزها مکرر نمی‌سازد،) برای تولید یک کالای سودمند نیاز به نیروی کار است که در نزد توده وسیعی از مردم که دستشان به هیچ جا بند نیست و به عنوان یک کالای مصرفی، مصرف می‌شوند موجود است. و معیار سودمند بودنش هم صرفاً عرق ریختن صاحب نیروی کاری نیست بلکه تولید سود است.

نویسنده مقاله در جای از مقاله اشاره می‌کند که کارگر کارش را می‌کند و "دستمزد

"سرمایه مهمتر است یا کار؟" این می‌تواند مانند "علم بهتر است یا ثروت؟" موضوع یک انشاء باشد. البته واضح و مبهرن است که منظور از این تقابل در همه زمانها که این دوگانه موضوع انشاء گردیده است، این علم بوده که همیشه بهتر بوده، چون با علم میشود به ثروت رسید اما معکوس آن تقریباً غیر ممکن است! یاد صادق هدایت بخیر باد که در داستان "حاج آقا" به این موضوع اینگونه می‌پردازد که "حاج آقا" شخصیت اصلی داستان، به پسرش که در پی درس خواندن است، یادآور میشود: تو نباید بروی دنبال کسب علم، بلکه با ثروت می‌توانی آنها که علم آموختند را به خدمت بگیری!

کار بی فایده کارگر و پاداش کارآفرین

پر واضح است که سرمایه یا ثروت مهمتر است و گر نه "کار" می‌تواند کاملاً بی فایده باشد. با ذکر یک مثال در عالم سفسطه‌گری از یک آقای محترمی، که پرسش سرمایه مهمتر است یا کار؟ "مطرح کرده است، موضوع را ثابت خواهیم کرد: ... فردی که روزها وقت صرف می‌کند تا با دست خالی یک چاله بزرگ در بیابان بکند، باید پاداش زیادی بگیرد، اما هیچ‌کس حاضر نیست برای چنین کاری پولی بپردازد، زیرا این کار هیچ نیازی را برطرف نمی‌کند." یعنی من شخصاً این مثال را خواندم به این نتیجه رسیدم: همه اساتید علم اقتصاد یک طرف، ایشان هم همان طرف! آن آقای محترم "شاهین کارخانه" نام دارد. ایشان در سایتهای حکومتی یک مقاله بلند بالا نوشته است با عنوان "رابین هودهای ویرانگر؛ پشت پرده شعار «عدالت اجتماعی» (که اقتصاد و آزادی را با هم می‌بلعد...)، مقاله ای در مَحسَنات "بازار آزاد"؛ به روایت ایشان: "ثروتمند شدن یک فرد به این معنا نیست که او چیزی را از جیب دیگران دزدیده است، (خواننده مته به خشخاش نگذارد که حالا کی همچین فکری کرده!) بلکه به این معناست که او ارزش جدیدی خلق کرده که قبلاً وجود نداشته است." بقولی: توجه کردید!

اگر داستان را متوجه نشدید مجبوریم کمی بیشتر از مقاله آن آقای محترم نقل قول ذکر کنیم: "آن دسته از تولیدکنندگان و کارآفرینانی که امروز ثروت کلانی در اختیار دارند، کسانی هستند که در گذشته موفق شده‌اند آرای بیشتری از سوی مردم کسب کنند."

اینجا کسب آرای مردم مثلاً به معنی انتخاب فسیلها برای "مجلس خبرگان رهبری جمهوری اسلامی" نیست. این انتخابات معنی خاصی دارد: "هر بار که شما برای خرید یک محصول به فروشگاه می‌روید، هر بار که تصمیم می‌گیرید از یک برنامه خاص در گوشی خود استفاده کنید یا در یک رستوران خاص غذا بخورید، در واقع در حال رای دادن در یک انتخابات اقتصادی بزرگ هستید..." در واقع شما دارید به یک تولیدکننده، کارآفرین و کارفرما و به قول خودمانی تر کارگران در کف کارگاه به "صاحب کار" پاداش می‌دهید، پاداشی همراه این پیام: "...من این پول را به عنوان پاداش به تو می‌دهم تا بتوانی کارخانه‌ات را بزرگتر کنی و بیشتر از این محصول تولید کنی." اگر موضوع جا نیفتاده با ذکر یک مثال دیگر موضوع روشنتر خواهد شد: "...اگر من حاضر باشم برای تماشای فوتبال یک بازیکن معروف مبلغ زیادی پول بلیط بپردازم، من به صورت داوطلبانه به او رأی داده‌ام تا ثروتمند شود. این بازیکن میلیون‌ها دلار درآمد دارد چون میلیون‌ها نفر مانند من حاضرند برای هنر او پول بدهند." نویسنده مقاله مذکور پرسیدند: آیا این ناعادلانه است؟ نه اصلاً و ابداً!

سوتفاهم‌های عمیق و بنیادی!

بحث اساسی مقاله در رد عدالت اجتماعی و توزیع ثروت است، برای همین جناب نویسنده، همان اول مقاله روشن ساختند کلا عدالت اجتماعی هر چند "بسیار



از صفحه ۵

از یک لیوان شیر تا ...

توافق شده خود را پیشاپیش دریافت می‌کند" (اینکه این توافق در چه شرایطی نابرابری تعیین میشود اصلاً و ابداً برای نویسنده مقاله مهم نیست) و "اگر مردم آن (کالا) را نخرند، کارگری که ماه‌ها حقوق گرفته پولی پس نمی‌دهد، بلکه این کارآفرین و سرمایه‌گذار است که تمام ضرر را متحمل می‌شود." و اینجاست که نویسنده رندانه از این می‌گذرد اگر سرمایه دار میلیارد سود به جیب بزند، کارگر را صدا نمی‌زند: "که بیا تو هم سهمی از این سود داشته باش!"

رابطه کار مازاد و سبب معیشت

نیروی کار را سرمایه دار مصرف میکند، و به قول مارکس این تنها کالای است که وقتی مصرف میشود ارزش تولید میکند. این ارزش بر اساس یک توافقی بین کارگر و سرمایه دار تولید میشود. منتها به وقت تنظیم این توافق، پشت کارآفرین محترم به یک دولت، در وضعیت امروز جهان، به کل جهان سرمایه داری، به بنگاههای مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با شبکه های ارتباطی وسیع، گرم است. از آن طرف اما پشت کارگر خالی است و آنجا هم که سعی کند تشکیلاتی برای دفاع از نیروی کارش شکل بدهد در بسیاری از نقاط جهان بشدت سرکوب می‌شود. یا اگر در جایی مانند اروپا بتواند دست به اعتصاب بزند از رسانه هایی که تحت کنترل طبقه حاکم، سرمایه داران است، اعتصاب کارگر مخرب و ضد جامعه معرفی میشود. همه داستان آنجاست که سود از "کار مازادی" شکل میگیرد که بابت آن هیچ دستمزدی به کارگر پرداخت نمیشود. و این کار مازاد را به انواع حیل از کارگر میدزدند (اگر بحث دزدی مطرح باشد اینجا باید سراغش را گرفت). کارشناسان بورژوازی در یک سیستم بورکراتیک پیچیده، شبانه روزی به خود زحمت میدهند تا "سبب معیشت" کارگران را تهیه کنند؛ "سبب معیشت" یعنی آن حد از نیازهای اساسی یک کارگر که بتواند خود و خانواده اش سر پا بمانند، در شرایط امروز ایران از گرسنگی نمریند. و برای تامین این "سبب معیشت"، شاید نصف روز کاری یک کارگر هم زیاد باشد، اما کارگر یک روز کاری کامل مشغول به کار است، این یعنی سود سرمایه دار از کارمازاد کارگر. این آن سود واقعی است که در بازار به شکل پول محقق میشود. سرمایه داری به مثابه یک نظام درهم پیچیده این روند را برای کل طبقه سرمایه دار (امروزه در سطح جهانی) تضمین کرده است.

و برای درک "سبب معیشت" بد نیست یک اشاره کوتاه به اتفاقاتی که در همین دو ماه اخیر در ایران افتاده یک نگاه کوتاه بیندازیم. با افزایش 60 درصدی دستمزدها، دستمزد پایه به ۱۶ میلیون رسیده است یعنی 54 میلیون کمتر از خط فقر، این حتی خط بقاء هم نیست. تازه این افزایش حقوق را هم بسیاری از کارفرمایان قبول ندارند، ایضا کارشناسانی که معتقدند افزایش دستمزد کارگر، موجب تورم میشود! دو ماه پیش که ۶۰ درصد افزایش حقوق تعیین شد، در طی همین مدت کوتاه بطور نمونه مرغ کیلویی ۲۵۰ هزار تومان بود، همین الان ۵۲۰ هزار تومان است. لبنیات در این مدت دست کم 50 درصد افزایش قیمت داشته است،... همین روند در مورد همه کالاها از اساسی و غیر اساسی صدق میکند. اگر یک زمانی مردمان فقیر و ندار به هم تعارف میزدند: "پیش ما یک لقمه نون و ماست پیدا میشد!" متأسفانه با این روند پیش رو، این دست و دلبازی های فقیرانه، دارد به خاطرات دور دست تبدیل میشود. بهرحال این یعنی دستمزد کارگر نه تنها بالا نرفته بلکه با شیب بسیار تند سقوط کرده است. این یعنی خالی تر شدن سبب معیشت. این یعنی افزایش زمان کارمازاد کارگر. این یعنی سود بیشتر سرمایه دار. و در ایران کنونی یعنی غارت جیب مردم توسط دولتی ورشکسته، چپاولگر و سرکوبگر.

چگونگی تولید تا چگونگی توزیع

هدف اصلی نویسنده از کوبیدن عدالت اجتماعی، سوسیالیسم است. و ابتدا به ساکن سوسیالیسم را به اقتصاد دولتی، دستوری و توزیع رایین هودی ثروت تقلیل میدهد. برای اثبات ادعای خود، گوشه ای از نقل قولی از یک بابایی به اسم "لودویگ فون میزس" را یادآور میشود. این جناب "اقتصاددان اطریشی" فرمودند: "... جامعه ای که بین سرمایه داری و سوسیالیسم یکی را انتخاب می‌کند، بین دو نظام اجتماعی انتخاب نمی‌کند. این جامعه بین همکاری اجتماعی و فروپاشی جامعه یکی را برمی‌گزیند..." این اقتصاددان این انتخاب را انتخابی "بین نوشیدن یک لیوان شیر و یک لیوان محلول سیانور پتاسیم" می‌شناساند! به همین وقاحت!

در نزد ما کمونیستها بحث توزیع ثروت، بحث ثانوی است، مسئله اتفاقاً برسر چگونگی تولید است. اینکه توزیع در نظام سرمایه داری ناعادلانه است صرفاً از نیت بد، آدمهای بد و شرور نیست، منتج از کارکرد نظام سرمایه داری است که، کار مازاد کارگر را به یغما میبرند.

در سرمایه داری همانگونه که نویسنده مذکور، فکر کنم حواسش نبوده و از دستش در رفته در جایی از مقاله خود تاکید کرده: "تولید کننده به طمع کسب سود" سرمایه خود را وارد مدار تولید سرمایه داری میکند، و هر جا هم که برایش نصرفد یا در جریان تولید در رقابت با دیگر سرمایه داران و به حکم بازار آزاد از گردونه خارج شد، آن کسی که ضرر میکند پیش از همه آن کارگرانی هستند که در تولید نقش مستقیم داشتند و با بیکار شدن تاوان امری را میدهند که هیچ سودی در آن نداشتند. نویسنده مقاله فوق ندانسته یک چیزی را درست میگوید با شیوه تولید سرمایه داری نمی‌توان به برابری انسانها رسید. چون اساس این شیوه به طور پیش فرض بر نابرابری استوار است. ابتدا به ساکن جمعیت عظیمی باید دست شان از ابزار تولید کوتاه شده باشد و چیزی به جز نیروی کار نداشته باشند تا بتوان از آنها بهره کشی کرد، و این روند مدام باید بازتولید شود. این ممکن نیست جز اینکه بخش عظیمی از جمعیت را از بشمار امکانات زندگی محروم ساخت تا او برای لقمه نانی تن به استثمار دهد. این به اصطلاح "دموکراتیک ترین و عادلانه ترین سیستم" برای اینکه حرص و طمع سرمایه را برای سود تضمین کند همیشه خدا به دیکتاتوری خشن طبقاتی متوسل شده و در کشورهایی مثل ایران این امر را با دیکتاتوری فردی به اوج خشونت و سرکوبگری ارتقاء میدهد.

جناب شاهین کارخانه در دفاع از سرمایه داری بر این نکته انگشت می‌گذارد: نظامی که بر کارمزدی و طمع کسب سود استوار است طی دو قرن گذشته به شدت چهره جامعه انسانی را تغییر داده است، اما چشم و گوش خود را به این واقعیت مخوف بسته است که به همان سرعت هم توده های مردم را به سمت فقر و فلاکت سوق داده است. و بهتر است کسانی از جنس نویسنده فوق یک نگاهی به آمار تمرکز ثروت کل کره زمین در دستان کمتر از صد نفر داشته باشد و بیشتر از آن نگاهی دقیقتر به کارکرد بازار آزاد بیندازد که چگونه این نظام به خاطر "طمع کسب سود" حیات کنونی روی زمین را با خطر جدی روبرو کرده است.

در سوسیالیسم قرار است بنا بر نیازهای جامعه تولید شکل بگیرد و اساساً این



قطعنامه پارلمان اروپا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران

پارلمان اروپا روز پنجشنبه ۲۱ مه (۳۱ اردیبهشت) قطعنامه ای درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، افغانستان و اندونزی تصویب کرد. این قطعنامه با رای بسیار بالایی، ۵۱۶ موافق، ۱۴ مخالف و ۳۹ ممتنع تصویب شد. نمایندگان پارلمان اروپا با این اقدام همبستگی خود را با مردم ایران ابراز کردند، مردمی که به گفته آن‌ها با بزرگ‌ترین کشتار جمعی معترضان در تاریخ این کشور روبه‌رو هستند.

این قطعنامه مجازات اعدام را به عنوان ابزاری برای جلوگیری از بسیج سیاسی به شدت محکوم کرده و خواهان لغو آن شده است. قطعنامه همچنین از اعدام مخفیانه مخالفان در ماه‌های مارس و آوریل (اسفند و فروردین)، از جمله افراد زیر سن قانونی، ابراز تأسف کرده و از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است همه زندانیان سیاسی را فوراً آزاد کند.

پارلمان اروپا از اتحادیه اروپا خواسته است که تحریم‌ها علیه مقامات جمهوری اسلامی مسئول سرکوب، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای مرتبط با رهبر جمهوری اسلامی، را بیش از پیش گسترش دهد. به گفته نمایندگان، اعضای سپاه پاسداران و اعضای خانواده وفادار به آن نیز باید از ورود به اتحادیه اروپا منع شوند.

آن‌ها همچنین گفتند کشورهای عضو باید نمایندگی‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی را که با سرکوب فرامرز مرتبط هستند، تعطیل کنند و همه تحریم‌ها را به اجرا بگذارند. نمایندگان همچنین خواستار آن شدند که اتحادیه اروپا و شرکای همسو، ابزارهایی را در اختیار ایرانیان قرار دهند تا بتوانند در حالی که با قطع اینترنت روبه‌رو هستند، به اینترنت امن و مطمئن دسترسی داشته باشند.

با توجه به اینکه هیات مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره جمهوری اسلامی هشدار داده است که سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی به جنایت علیه بشریت منجر می‌شود، پارلمان اروپا از اتحادیه اروپا خواسته است اطمینان حاصل کند که این هیات برای ادامه کار خود از بودجه کافی برخوردار است. (ازمدیای اجتماعی)

که همبستگی انسانی و کار داوطلبانه نه امری خیرخواهانه و رابین هودی بلکه به یک نیاز اجتماعی تبدیل می‌شود. و در جامعه سوسیالیستی این امر را مردمی پیش می‌برند که در شوراهای خود کنترل جامعه و برآورد نیازهای خود را بدست گرفتند.

و نکته آخر؛ خطر سوسیالیسم

سوال این است اینکه درست وسط یک جنگ بی رحمانه، و هجوم وسیع و همه جانبه جمهوری اسلامی به جامعه و هیاهوی کثیف سلطنت طلبان فاشیست و همدستی آشکار آنها با جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب زن زندگی آزادی چه نیازی افتاده که سوسیالیسم بار دیگر انکار شود و در محسنات سرمایه داری قلم فرسایی شود؟ آیا جز این است که چپ اجتماعی قوی در جامعه ایران وجود دارد که به حقوق‌های نجومی و فلاکت عمومی اعتراض دارد و حق مسلم خود، معیشت و منزلت خویش را طلب می‌کند؟ و این عین سوسیالیسم است. در این جامعه چپ کمونیست متحزبی وجود دارد که در تلاش است با اتکاء به این نیروی اجتماعی قوی، بار دیگر "خطر سوسیالیسم" را برجسته کند. خطری که حداقل موجب می‌شود دولتهای سرمایه داری وحشی و افسار گسیخته عمل نکنند.

از صفحه ۶

از یک لیوان شیر تا ...

شیوه تولید شیوه توزیع متناسب با خودش را طلب میکند. جناب شاهین کارخانه پرسیدند که این نیاز را چه کسی تعیین میکند؟ و فوراً پای "دولت برنامه ریز" را وسط میکشد که یادآور اقتصاد شوروی و بلوک شرق در قرن بیستم است که به گل نشست و فروپاشید. و البته بدون هیچ قصد و مرضی سوسیالیسم را معادل همین رویه معرفی میکند! اما در یک اقتصاد سوسیالیستی قرار است نیاز را جامعه تعیین کند، جامعه ای که اساس تولیدش بر کارمزدی توده وسیع جمعیت استوار نخواهد بود. و بر کار داوطلبانه آحاد مردم اتکاء خواهد داشت. میگویند: شدنی نیست. راست میگویند بر اساس معیارهای حاکم بر جامعه کنونی اصلاً شدنی نیست، اما به وقتی که توده اهالی بتوانند سرنوشت خود را بدست گیرند، و حس کنند امورات جامعه بر اساس اراده آنها شکل گرفته و پیش می‌رود کار داوطلبانه امری بعید به نظر نخواهد رسید. ما در مقطعی کوتاه که مردمان توانسته اند بر امور زندگی خود مسلط شوند شاهد بودیم

یوتل ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL DODAJ

کانال جدید

پاسخ مردم: بایکوت جهانی جمهوری اسلامی

بخش کوتاهی از مصاحبه حسن صالحی با حمید تقوایی در برنامه "پاسخ"

هر فردی که ادعای دموکراسی و ادعای دفاع از حقوق بشر دارد نباید جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد. این یک عرصه مهم و میشود گفت استراتژیک است. از دستان این رژیم خون میچکد با آن دست ندهید. این را باید اعلام کرد. این را باید فریاد زد. این هم در مورد فوتبال و جام جهانی معنی دارد، هم در مورد مذاکراتی که هیچ وقت هم به هیچ جا نمیرسد و فقط باعث میشود جمهوری اسلامی وقت بخرد و کشتار را علیه مردم را بیشتر کند.

مجموعه این ها عرصه های معین جنگ مردم با جمهوری اسلامی است که حزب ما تلاش میکند به سهم خودش در همه این عرصه ها فعال باشد و مبارزه را به پیش ببرد.

در رابطه با جامعه ایران ما عرصه های معینی، کارزارهای معینی مثل آزادی اینترنت، علیه اعدام، برای آزادی زندان سیاسی علیه شرایط سخت معیشتی و غیره را داریم که باید به پیش ببریم. اما در سطح جهانی، رو به دنیا باید یک صدا خواهان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بشویم. مذاکره، سازش، مماشات، بمباران، این ها جواب مردم ایران نیست؛ مردم این ها را نمی خواهند. جواب مردم ایران این هست که این حکومت را به رسمیت نشناسید؛ این حکومت را بایکوت کنید؛ این حکومت قاتل مردم ایران است.

ما مدت ها است این را اعلام کرده ایم که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل مردم ایران است. جامعه جهانی، اعم از احزاب مترقی، اعم از نهادهای بشردوستانه و حقوق بشری مثل عفو بین الملل، سازمان ملل و هر دولتی، هر نهادی،

اخباری از اعتراضات کارگری و مردمی



شد. پس از طی مراحل کار و ارجاع پرونده به مرحله اجرای احکام در دادگستری شهرستان بندر امام خمینی، مبالغ مربوطه از حساب شرکت کسر و به کارکنان پرداخت شد. اما مدیریت جدید شرکت بخشی از دستمزد کارگران را تحت عناوین بهره‌وری، رفاهیات و مزایای مناسبت و همچنین ۳۵ درصد از حقوق فروردین ۱۴۰۵ را از فیش حقوقی پرسنل کسر کرده است و کارگران خواستار پرداخت کامل مزد خود هستند.

طومار اعتراضی ۵۰۰ نفر از بازنشستگان آموزش و پرورش

طبق گزارشات منتشر شده پنج هزار از بازنشستگان آموزش و پرورش طی طوماری اعتراضی خواستار پرداخت کامل مطالبات مزدی خود و بهره‌مندی برابر تمامی بازنشستگان از خدمات و مزایای رفاهی شده‌اند. رفع تبعیضها، پرداخت حقوق متناسب با نرخ سبد معیشتی هفتاد میلیونی و درمان رایگان خواستهای فوری بازنشستگان است. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و بی‌تامینی، تبعیض و نابرابری، سرکوب و زندان و جنگ افروزیهای حکومت هستند. از خواستهای بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ خرداد ۱۴۰۵، ۲۲ مه ۲۰۲۶

اعتراض کارکنان مخابرات استان تهران به تعویق مطالبات مزدی

کارکنان مخابرات استان تهران طی نامه ای اعتراضی به مدیرعامل شرکت مخابرات ایران خواستار پرداخت مابه‌التفاوت تعلقات مزدی معوقه و سالیانه فریز شده ۴ سال گذشته و پرداخت کامل آنها از ابتدای سال جاری شدند. ۴ سال است بخشی از حقوق این کارکنان توسط شرکت مخابرات پرداخت نشده است و سقف دریافتی آنها بسیار نازل و چندین برابر زیر خط فقر و سبد معیشتی است که توسط منابع حکومتی هفتاد میلیون تومان در ماه اعلام شده است.

تجمعات اعتراضی دانش آموزان شهرکرد و بیرجند

روز ۳۱ اردیبهشت شمار زیادی از دانش آموزان شهرکرد و بیرجند در اعتراض به حضوری شدن امتحانات دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها قطع طولانی مدت اینترنت را مانع جدی در روال عادی آموزش و آمادگی برای امتحانات میدانند. در شهر کرد نیروهای سرکوب حکومت دانش آموزان را با شوکر مورد حمله قرار دادند. که مورد اعتراض مردم در محل قرار گرفت.

ادامه اعتراضات کارگران اخراجی پتروشیمی پتروناد

روز ۲۸ اردیبهشت کارگران اخراجی پتروشیمی پتروناد برای چهارمین روز متوالی در اعتراض به اخراج بیش از ۲۰۰ کارگر این مجتمع با خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی مقابل فرمانداری بندرامام استان خوزستان تجمع کردند. زیر فشار اعتراضات کارگران در پایان هفته گذشته فرمانداری بندر امام با حضور مسئولان در منطقه طی مصوبه‌ای دستور بازگشت به کار ۵۰ نفر از کارگران اخراجی را صادر کرد. اما این کارگران هنوز سر کارشان بازنگشته‌اند. کارگران پتروشیمی پتروناد خواستار بازگشت به کار همه اخراجی ها هستند. شرکت پتروناد تولید کننده مواد اولیه پتروشیمی مورد استفاده در صنایع دارویی و برخی صنایع دیگر بوده و در حال تبدیل شدن به ۷ واحد مختلف است.

اعتراض کارگران پتروشیمی ماهشهر به عدم پرداخت بخشی از دستمزد

طبق گزارشات پخش شده مدیریت شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر بخشی از دستمزد ناچیز کارگران را بالا کشیده است. به گفته کارگران پس از ماه‌ها تلاش آنان در سال ۱۴۰۳ رای قطعی مبنی بر پرداخت مطالبات ۴۸ پرسنل صادر

اعتراضات در بخشهای مختلف جامعه رو به رشد است

اعتراض بازنشستگان در شوش، رشت و تهران، اپراتورهای برق کرمانشاه، کارکنان شرکت تعاونی شهرستانی و کشیده شدن اعتراض دانش آموزان به خرم آباد



(کلاه زردها)، در اعتراض به عدم تحقق مطالبات پاسخ نگرفته خود، مقابل ساختمان برق منطقه ای غرب در کرمانشاه تجمع کردند.

به گفته کارگران طبق ضوابط بودجه مصوب، رفاهیات کارگران باید ۲۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش می یافت. با این حال، مسئولان وزارت نیرو به این بهانه که مجموع دریافتی کارگران از کارمندان بیشتر است، متعلقات آنها را تنها همان ۲۰ درصد افزایش دادند، اما برای بخش کارمندی این افزایش را تا سقف ۲۵۰ درصدی اعمال کردند. اعتراض اصلی کارگران اپراتور برق فشار قوی در واقع به سطح نازل دستمزدها است.

کشیده شدن اعتراضات دانش آموزان به خرم آباد

دو روز پس از آنکه دانش آموزان مقطع متوسطه در شهرهای شهرکرد و بیرجند در اعتراض به تصمیم برگزاری حضوری امتحانات به خیابان آمدند، روز شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ نیز دانش آموزان خرم آباد نیز مقابل ساختمان آموزش و پرورش کل استان تجمع بزرگی ترتیب دادند. در این اعتراضات خانواده ها نیز شرکت داشتند. در جریان این تجمع معترضین شعار دادند: "مسئول بی لیاقت نمی خواهیم نمی خواهیم"، "محصل داد بزن، حق تو فریاد بزن" و "امتحان مجازی مجازی".

دانش آموزان معترض می گویند ماه ها با اینترنت ضعیف اختلال شدید و نبود امکانات آموزشی روبه رو بوده اند و حالا چگونه می توانند در آزمونی مشابه با دانش آموزانی رقابت کنند که در شرایطی باثبات تر آموزش دیده اند. آن ها می گویند در شهرهای آن ها اینترنت به اندازه ای ضعیف بوده که حتی امکان حضور کامل در کلاس ها را نداشتند و گاه تنها بخشی از محتوای آموزشی را دریافت کرده اند.

بنا بر گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اعتراض دانش آموزان نتیجه داد و پس از اعتراض بزرگ دانش آموزان، مدیر کل آموزش و پرورش در محل تجمع حاضر شد و اعلام کرد: "صدای اعتراضات شما را شنیدیم و بر همین اساس، آزمون های نوبت دوم دانش آموزان لرستان نیز همانند سایر استان های کشور به صورت مجازی برگزار خواهد شد."

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ خرداد ۱۴۰۵، ۲۴ مه ۲۰۲۶

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، رشت، تهران
بازنشستگان به میدان می آیند. امروز یکشنبه سوم خرداد ماه بازنشستگان تامین اجتماعی، در شهرهای مختلف از جمله رشت، شوش و تهران، علیه فقر و بی تأمین و برای پیگیری خواسته هایشان مقابل ادارات تامین اجتماعی تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند:

"تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، "نه سرما نه گرما نیست جلودار ما"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"

بازنشستگان شوش در سه هفته گذشته نیز تجمع داشتند. در شرایطی که جامعه در اعتراض به فقر و بی تأمین و جنگ افزوری های حکومت در حالت انفجار است و حکومت سعی میکند با سرکوب و کشتار و قطعی های اینترنتی جامعه را عقب بزند، به میدان آمدن دوباره بازنشستگان پاسخ محکمی به حکومت است. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند. از خواسته ها و اعتراضات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

تجمع اعتراضی کارکنان شرکت های تعاونی شهرستانی

صبح روز شنبه، دوم خرداد ماه ۱۴۰۵ گروهی از کارکنان شرکت های تعاونی شهرستانی سهام عدالت برای چندمین بار از اسفند سال قبل تاکنون، با هدف مطالبه حقوق معوقه و درخواست تضمین امنیت شغلی، مقابل وزارت امور اقتصادی و دارایی دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی معترضین با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار پرداخت معوقات حقوق و دستمزد سه ساله خود از سال ۱۴۰۲ تاکنون شدند و اعلام کردند. به گفته تجمع کنندگان طی این سه سال هیچ پرداختی ای بابت حقوق و بیمه انجام نشده است. آنها همچنین به تداوم عدم پرداخت بیمه و بلا تکلیفی وضعیت استخدامی خود پس از نزدیک به ۲۰ سال سابقه فعالیت در طرح سهام عدالت اعتراض دارند.

تجمع اعتراضی کارگران اپراتور برق فشار قوی در کرمانشاه

روز اول خرداد جمعی از کارگران رسمی اپراتور پست های فشار قوی برق

زن، زندگی، آزادی!



دادگاه لاهه حق اعتصاب را تایید کرد!

شهلا دانشفر

تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۶ درباره به رسمیت شناختن «حق اعتصاب» به عنوان بخشی از آزادی تشکل، یکی از مهم‌ترین تحولات حقوق کارگری در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود. این رأی نه تنها یک تفسیر حقوقی ساده، بلکه نتیجه دهه‌ها کشمکش میان جنبش‌های کارگری، دولت‌ها و کارفرمایان بر سر حدود قدرت جمعی کارگران بود. بسیاری از ناظران این پرونده را نقطه عطفی در تاریخ حقوق بین‌المللی کارگری می‌دانند. زیرا برای نخستین بار عالی‌ترین مرجع قضایی جهان به صورت روشن اعلام کرد که حق اعتصاب در چارچوب کنوانسیون شماره ۸۷ سازمان بین‌المللی کار قرار می‌گیرد.

ریشه این اختلاف به کنوانسیون شماره ۸۷ سازمان بین‌المللی کار بازمی‌گردد. کنوانسیونی که در سال ۱۹۴۸ با هدف تضمین آزادی تشکل و حق سازمان‌یابی کارگران تصویب شد. اگرچه در متن این کنوانسیون واژه «اعتصاب» به طور مستقیم ذکر نشده است، اما برای دهه‌ها کمیته‌های کارشناسی آی ال او این گونه تفسیر می‌کردند که آزادی تشکل بدون امکان اعتصاب معنای واقعی ندارد. از نگاه آنان، اعتصاب ابزار اصلی کارگران برای دفاع از منافع صنفی و اعمال قدرت جمعی در برابر کارفرمایان و دولت‌ها است.

با این حال، از حدود سال ۲۰۱۲ گروه کارفرمایان در سازمان بین‌المللی کار این تفسیر را به چالش کشیدند. آنها استدلال می‌کردند که چون در متن کنوانسیون به صراحت از حق اعتصاب نام برده نشده، نمی‌توان آن را یک حق تضمین شده و الزام‌آور دانست. این اختلاف حقوقی به تدریج به بحرانی جدی در سازوکار نظارتی سازمان بین‌المللی کار تبدیل شد و حتی مشروعیت برخی از گزارش‌ها و تصمیمات این نهاد را زیر سؤال برد.

در نهایت، هیئت مدیره سازمان بین‌المللی کار در نوامبر ۲۰۲۳ تصمیم گرفت برای پایان دادن به این مناقشه، موضوع را بر اساس ماده ۳۷ اساسنامه این سازمان به دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه ارجاع دهد تا تفسیر نهایی ارائه شود.

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۱ مه ۲۰۲۶ نظر خود را صادر کرد و تایید نمود که کنوانسیون شماره ۸۷ حق اعتصاب کارگران و سازمان‌های کارگری را در بر می‌گیرد. این رأی با اکثریت ۱۰ رأی در برابر ۴ رأی صادر شد و از همان ابتدا بازتاب گسترده‌ای در سطح جهانی پیدا کرد.

هرچند نظر مشورتی دیوان الزام اجرایی مستقیم ندارد، اما از زاویه حقوق بین‌الملل و استانداردهای جهانی کار، جایگاهی بسیار معتبر و اثرگذار دارد. در عمل، این رأی به منزله تثبیت یکی از بنیادی‌ترین حقوق جنبش کارگری در سطح بین‌المللی تلقی می‌شود و استدلال مخالفان حق اعتصاب را تا حد زیادی تضعیف کرده و به جنبش کارگری قدرت بیشتری می‌دهد.

مهم‌ترین پیامد این رأی، تثبیت حق اعتصاب به عنوان بخشی از حقوق بنیادین کارگران است. پس از این تصمیم، دولت‌ها و کارفرمایان دشوارتر می‌توانند ادعا کنند که اعتصاب فاقد پشتوانه حقوقی بین‌المللی است. رأی دیوان عملاً نشان داد که آزادی تشکل بدون امکان اعتصاب، مفهومی ناقص و بی‌اثر خواهد بود.

اتحادیه‌های کارگری همواره تأکید کرده‌اند که بدون حق اعتصاب، مذاکره جمعی و فعالیت صنفی ابزار مؤثری برای دفاع از حقوق کارگران نخواهد داشت. دیوان لاهه با پذیرش این منطق، جایگاه سیاسی و حقوقی اتحادیه‌ها را تقویت کرد. از این پس، اتحادیه‌ها می‌توانند در مذاکرات مزدی، اعتراضات صنفی و منازعات کارگری با اتکای بیشتری به استانداردهای بین‌المللی استناد کنند.

نکته مهم دیگر افزایش فشار بر دولت‌های سرکوبگر است. در بسیاری از کشورها، اعتصاب با محدودیت‌های شدید، برخوردهای امنیتی و حتی جرم‌انگاری روبه‌رو است. یکی از بدترین نمونه‌ها ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. در ایران بسیاری از فعالین کارگری به جرم اعتصاب تحت عنوان «اخلال در امنیت ملی» دستگیر و زندانی شده و تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند. در اینجا کارگران رسماً حق اعتصاب ندارند اما این حق را با جدال‌های بسیار به حکومت تحمیل کرده‌اند. تایید این حق در لاهه به کارگران ایران نیز این امکان را می‌دهد که همبستگی بین‌المللی توسط اتحادیه‌های کارگری زمینه بیشتری پیدا کند و کارگران ایران بتوانند اتحادیه‌های بیشتری را به حمایت از خود علیه جمهوری اسلامی جلب کنند. در کل رأی دیوان می‌تواند به ابزاری مهم برای فعالان کارگری و نهادهای حقوق بشری تبدیل شود تا سیاست‌های سرکوبگرانه دولت‌هایی نظیر حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی را به چالش بکشند. این رأی در گزارش‌های حقوق بشری، شکایت‌های بین‌المللی، مذاکرات تجاری و کارزارهای همبستگی جهانی قابل استناد خواهد بود.

علاوه بر جمهوری اسلامی، در کشورهای بسیاری در خاورمیانه، آسیا و آفریقا، معرفی می‌کنند و تلاش دارند مطالبات صنفی «غیرقانونی» دولت‌ها اعتراضات کارگری را به تهدیدی سیاسی تبدیل کنند. رأی دیوان لاهه به فعالان کارگری این امکان را می‌دهد که نشان دهند حق اعتصاب صرفاً یک خواسته سیاسی نیست، بلکه حقی شناخته شده در چارچوب حقوق بین‌الملل است.

این پرونده همچنین نشان داد که جنبش کارگری جهانی همچنان توانایی اثرگذاری بر نهادهای بین‌المللی را دارد. بسیاری از اتحادیه‌های بین‌المللی و تشکل‌های کارگری از این نامیدند. این موضوع بار دیگر «پیروزی تاریخی کارگران جهان» رأی استقبال کردند و آن را اهمیت همبستگی جهانی میان کارگران و نقش نهادهای بین‌المللی در حمایت از حقوق کار را برجسته ساخت.

محدودیت‌ها و واقعیت‌های موجود

با وجود اهمیت تاریخی این رأی، نباید از محدودیت‌های آن غافل شد. نخست آنکه نظر دیوان ماهیتی مشورتی دارد و همانند احکام دادگاه‌های داخلی ضمانت اجرای مستقیم ندارد. دوم اینکه دولت‌ها همچنان می‌توانند محدودیت‌هایی برای اعتصاب وضع کنند؛ به ویژه در بخش‌هایی که آن را «خدمات حیاتی» می‌نامند.

علاوه بر این، تجربه تاریخی جنبش‌های کارگری نشان داده است که حقوق کار صرفاً از طریق متون قانونی آن‌هم در سطح بین‌المللی، حفظ نمی‌شود، بلکه تحقق عملی آن به میزان سازمان‌یافتگی، قدرت چانه‌زنی و توان بسیج جمعی کارگران در برابر دولت و کارفرمایان بستگی دارد. حتی خود دیوان نیز تأکید کرده که رأی او به

با قدرت هرچه بیشتر به اعتراضات باز خواهیم گشت



روسای پالایشگاه ها و پتروشیمی ها، تحت فشار سپاه و نهادهای امنیتی، کارگران را ملزم به حضور حداکثری در محیط‌های کاری در شرایط جنگی نمودند که این وضعیت خشم و نارضایتی عمومی را در میان همکاران ایجاد نموده است.

آن هم در شرایطی که همکاران در تمامی بخش‌های جنگی و پر خطر به اتفاق اعلام نموده اند که با وجود تداوم سرکوب ها و کشتار کارگران و استفاده برده وار در محیط‌های نا امن مناطق عملیاتی، اندک اضافه مصوب در پرداختهای فروردین و اردیبهشت صورت نگرفته، اندک پرداختهای برخی مناطق برابر با سال قبل اعمال گردیده، با وجود گرانی و کاهش قدرت خرید کارگران، در زیر سایه جنگ، هیچ نهاد پاسخنکویی برای رسیدگی وجود ندارد و هرگونه اعتراض در شرایط جنگی توسط نهادهای امنیتی با برچسب همکاری با "دشمن" سرکوب میگردد.

شرایطی که همکاران در پتروشیمی ماهشهر گزارش کرده اند که در روزهای اخیر در چند نوبت بدلیل عدم پرداخت معوقات و افزایش های مصوب دست از کار کشیده اند. وضعیتی که نشان می‌دهد جنگ و اجبار به کار در شرایط جنگی نه تنها آیتمی مضاعف در رسیدگی به خواسته‌های همکاران نیست، با تداوم جنگ عوامل سرکوب هرگونه خواسته و اعتراضی را در گلو خفه کرده، امنیتی بودن شرایط را بهانه ای قرار داده اند تا به چپاول و استثمار ما کارگران ادامه دهند.

وضعیتی که بی شک خارج از توان تحمل شرایط بحرانی معیشتی موجود دلیل قاطعی بر بازگشت ما کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری نفت به اعتراضات بوده، در روزهای پیش رو با طرح خواسته‌های بیشتری به آن باز خواهیم گشت. ما کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری نفت، ضمن اعلام اعتراض نسبت به استفاده ابزاری از خود بعنوان سپر انسانی در مناطق جنگی، نسبت به سرکوب و دستگیری و تداوم بازداشت همکاران، توأم با عدم پرداخت حقوق و مزایای متناسب با شرایط جنگی و بحرانی معیشتی، خواستار رسیدگی نهادهای بین المللی و حقوق بشری به شرایط کارگران نفت و مزدگیران تمامی بخش‌های اقتصادی کشور بوده، توجه و حمایت همه فعالین، تشکلهای مدنی و احزاب سیاسی را درخواست مینماییم. ما تمامی همکاران در تمامی بخش‌های نفت را به گسترش اعتراضات فرامیخوانیم شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵

پس از برگزاری بزرگترین راهپیمایی اعتراضی کارگران ارکان ثالث در ۱۸ و ۱۹ آذرماه گذشته در تهران و عسلویه بر سر خواسته‌های بر حق خود، سپاه در جریان اعتراضات دی ماه کارگران و خانواده هایشان را در کنگان، دیر، عسلویه، لامرد و پارسین، به گلوله بست تا هراس و خشم نهفته خود را نسبت به اعتراضات نفت آشکار سازد!

پاسخ به پلاکارد کارگران و خانواده ها در اعتراض روز ۱۸ دی در کنگان، با اشاره به اعتراض بر سر معیشت، تیراندازی مستقیم عوامل خاتم الانبیا، پیمانکاری مافیایی پروژه های نفتی بود که مستندات آن در تمامی رسانه های جمعی ثبت تاریخی گردید.

بلافاصله پس از کشتار و سرکوب اعتراضات دی ماه اخبار دستگیری فعالین در کنار کشتار و دستگیری جوانان آزادی خواه، به اسارت گرفتن صدها کارگر پیمانکاری معترض شرکت عمران ساحل و نگهداری غیر انسانی آنها در یک سوله کارگاهی در عسلویه، بر ما کارگران مشخص گشت که تیغ تیز هدف سپاه ما کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری نفت بوده ایم که سالهاست با شعار حذف پیمانکاران، در هماهنگی با سایر بخش‌های اعتراضی جامعه به مبارزه با جنایتکاران چپاولگر برخاسته ایم. اما دشمنی با ما کارگران نفت با سرکوب اعتراضات و کشتار خیابانی به پایان نرسید. در جریان جنگ ناخواسته که همواره به دلیل جنگ افروزی های داخلی و خارجی بر ما کارگران و مردم تحت ستم تحمیل شده است، استفاده ابزاری از ما کارگران بعنوان سپر انسانی در پروژه های بهره برداری نفت، محل سوداندوزی و چپاول دارودسته اقلیت مفتخور، با کشتار کارگران نفت، عزیزان دیگری را به خاک و خون کشید. طبق گزارش از پتروشیمی ماهشهر، با وجود بمب باران پالایشگاه های پارس جنوبی و پتروشیمی ماهشهر، مدیریت پتروشیمی با اجبار به کار کارگران به بهانه محدود عملیات تعمیراتی توربینها و دیگر بخشها، در روز شنبه ۱۵ فروردین باعث کشته و زخمی شدن صدها تن از همکارانمان گردید.

به گزارش این همکاران در جریان این کشتار، پیکر ۴ همکار ارکان ثالث به دلیل شدت سوختگی غیر قابل شناسایی بوده، که با نظر پزشکی قانونی جهت تشخیص هویت، پیکر این همکاران به اهواز اعزام گردید که متأسفانه با مشکلات بسیار در نهایت با شناسایی این عزیزان قربانی جنایت، پیکر عزیزشان به خانواده های داغدار شان تحویل گردید!

با این حال و با وجود بمب باران گسترده مراکز نفتی مدیران ناظر بر اجرای پیمان و

دادگاه لاهه حق اعتصاب را ...

از صفحه ۱۰

داد.

با این حال، تاریخ مبارزات کارگری نشان می‌دهد که هیچ حقی صرفاً با رأی دادگاه‌ها حفظ نمی‌شود. بقای حقوق کارگران و گسترش آن، همچنان به قدرت سازمان‌یابی، همبستگی و مبارزه جمعی آنان در برابر سرمایه داران و دولتهایشان وابسته است. رأی دیوان لاهه اگرچه یک پیروزی حقوقی بزرگ بود، اما بیش از هر چیز یادآور این حقیقت است که حقوق اجتماعی همواره در پیوند با مبارزه اجتماعی معنا پیدا می‌کنند.

معنای تعیین همه جزئیات و حدود حق اعتصاب نیست.

بهر رو پرونده سازمان بین‌المللی کار و دیوان لاهه را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیروزی‌های حقوقی جنبش کارگری جهانی در سال‌های اخیر دانست. این رأی حق اعتصاب را در سطح بین‌المللی مشروعیت بخشید، جایگاه اتحادیه‌های کارگری را تقویت کرد و ابزار تازه‌ای برای مقابله با سرکوب کارگری در اختیار فعالان صنفی قرار

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



تمامی نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان جهانی کار، کافی است.

جمهوری اسلامی باید همانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در سطح جهانی منزوی و بایکوت شود و رهبران آن در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه شوند. اخراج نمایندگان این حکومت از سازمان جهانی کار، نخستین گام ضروری در این مسیر است. ما امضاکنندگان این نامه خواستار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و جلوگیری از حضور نمایندگان آن در صدوچهاردهمین اجلاس سالانه این سازمان هستیم.

صدای ما را بشنوید. این صدای مردم ایران است

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۱۲ مه ۲۰۲۶

امضاها:

۱- Free Them Now، کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲- شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی،

۳- کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

۴- کارزار جهانی نه به اعدام،

۵- شبکه همکاری‌های جنبش زن، زندگی، آزادی در ایتالیا،

۶- کمپین جهانی علیه اعدام

۷- سازمان حق زن ۸- ایران پروتست مالمو

۹- ایران پروتست هلسینگبورگ

۱۰- مدافعان حق کودکی در ایران

۱۱- اتحاد برای زن زندگی آزادی ۱۲- کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۱۳- کنگره مشترک جمهوریخواهان دموکرات و فدرال دموکرات

CIDHR ۱۴- انجمن پزشکان ایرانی کانادایی حامی حقوق بشر

۱۵- گروه زن زندگی آزادی گوتنبرگ.

۱۶- سه شنبه‌های نه به اعدام شهر کلن ۱۷- کانون خاوران

Solidarity with Iranians ۱۸- همبستگی با ایران در ونکوور کانادا

۱۹- جمعی از کارگران ارکان ثالثدر نفت

۲۰- جمعی از بازنشستگان در اراک

۲۱- نهاد تلاشگران راه آزادی ایران هامبورگ

۲۲- بنیاد راه ستار بهشتی

۲۳- حامیان مادران پارک لاله-فرزنو

۲۴- اتحاد زنان چپ

۲۵- کانون فرهنگ و هنر و... امضاها

ادامه دارند

۲۶- انجمن زندانیان سیاسی کردستان ایران

۲۷- سه شنبه‌های نه به اعدام-فرانکفورت

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

یازدهم خرداد ۱۴۰۵ برابر با اول ژوئن ۲۰۲۶، صدوچهاردهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار برگزار می‌شود و بار دیگر نمایندگان حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی به‌عنوان نمایندگان ایران در آن حضور خواهند داشت. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست؛ دشمن، سرکوبگر و قاتل مردم ایران است.

جمهوری اسلامی حکومتی است که پایه‌های آن بر سرکوب، اعدام، فقر، تبعیض و کشتار کارگران و مردم بنا شده است. این حکومت طی بیش از چهار دهه، فعالان کارگری، زنان، معلمان، دانشجویان و معترضان را زندانی، شکنجه و اعدام کرده است.

جمهوری اسلامی عضو سازمان جهانی کار است، اما در حاکمیت آن تمامی کنوانسیون‌های بین‌المللی این سازمان که مدعی حقوق کارگر است، آشکارا نقض می‌شوند. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، تشکلیابی، تحزب، آزادی‌های سیاسی پایه‌ای و هرگونه اعتراض، جرم تلقی می‌شود. هم‌اکنون نیز شمار زیادی از فعالان کارگری، معلمان معترض، دانشجویان، کادر درمان و دیگر معترضان در زندان به‌سر می‌برند.

امروز ایران در روندی شتابان از فروپاشی اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته و زندگی میلیون‌ها انسان به لبه پرتگاه کشیده شده است؛ روندی که حاصل دهه‌ها فساد، چپاول، جنگ‌افروزی و نابودی سیستماتیک زیرساخت‌های اقتصادی کشور است. جنگ اخیر، که نتیجه مستقیم سیاست‌های جنگ‌طلبانه جمهوری اسلامی است، این فروپاشی را تشدید کرده است. حکومت نه‌تنها پاسخی برای بحران معیشتی مردم ندارد، بلکه می‌کوشد هزینه جنگ، ماشین سرکوب و جنایات خود را از سفره مردم تأمین کند.

امروز در ایران سخن از فقر مطلق و گرسنگی گسترده است. گرانی افسارگسیخته، سونامی بیکاری، افزایش جمعیت میلیونی بیکاران، گسترش سرکوب و اعدام و نیز سیاست‌های جنگ‌افروانه حکومت، جامعه را به نقطه انفجار رسانده است.

جمهوری اسلامی که از سرنگونی خود در هراس است، در سایه جنگ هرگونه اعتراض را با اتهام «همکاری با دشمن» به‌طرزی وحشیانه سرکوب می‌کند. بازداشت‌ها هر روز افزایش می‌یابد و صدور احکام اعدام شدت گرفته است.

جمهوری اسلامی به‌سوی مخالفان خود گلوله شلیک می‌کند. در دی‌ماه ۱۴۰۴ (ژانویه ۲۰۲۶)، مردم ایران در ادامه انقلاب «زن، زندگی، آزادی» (و با فریاد «فقر، فساد گرونی، میریم تا سرنگونی» در بیش از دویست شهر به خیابان آمدند. پاسخ حکومت، شلیک مستقیم به مردم و قتل‌عام ده‌ها هزار معترض در خیابان‌ها طی دو روز بود. پس از آن نیز موج اعدام‌ها، بازداشت‌ها و سرکوب ادامه یافته است.

پیش از این نیز شاهد سرکوب خونین مردم در انقلاب «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲، شلیک موشکی به پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین در سال ۲۰۲۰ و کشته شدن ۱۷۶ سرنشین آن، و نیز قتل‌عام معترضان در نیزارهای ماهشهر در سال ۲۰۱۹ بوده‌ایم. این‌ها تنها نمونه‌هایی شاخص از پرونده قتل‌عام جنایات حکومتی است که در تاریخ معاصر کم‌نظیر است.

علاوه بر این، هم‌اکنون جان هزاران زندانی سیاسی و معترض بازداشت‌شده در زندان‌های جمهوری اسلامی در خطر است و بسیاری از آنان با خطر اعدام روبه‌رو هستند.

عضویت چنین حکومتی در سازمان جهانی کار، لکه ننگی بر پیشانی تاریخ معاصر و نهادهای بین‌المللی است.

جنایات جمهوری اسلامی بسیار فراتر از آن است که در یک نامه بگنجد. اما همین نمونه‌ها نیز برای اخراج فوری این حکومت ضدکارگر، ضدزن و کودک‌کش از



پیمان آوریل

اسامی امضا کنندگان (۱ تا ۲۰)

۱. آزادانه
۲. اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی
۳. استقلال و برابری پایدار زنان (وایز)
۴. انجمن جمهوری خواهان آلمان
۵. انجمن جمهوری خواهان ایران - واشنگتن دی سی
۶. انجمن فرهنگی سیمرغ
۷. انجمن فرهنگی ورزشی ایران آلمانی
۸. انجمن دموکراسی و جمهوری خواهی - اتریش
۹. انجمن زنان آزاده ایرانی
۱۰. انجمن زن زندگی آزادی در آلمان - فرانکفورت
۱۱. انجمن زن زندگی آزادی نورنبرگ
۱۲. انجمن زن، زندگی، آزادی (گراتس)
۱۳. انجمن زن، زندگی، آزادی مونیخ
۱۴. انجمن زندانیان سیاسی کردستان ایران
۱۵. انجمن مانا میلان - ایتالیا
۱۶. اتحاد برای پایان بخشیدن به اعدام‌ها در ایران
۱۷. اتحاد برای زن، زندگی، آزادی استکهلم
۱۸. اتحاد زنان چپ
۱۹. اتحاد زنان کردستان
۲۰. اتحادیه رفاه، صلح، عدالت و آزادی مردم ایران

#NoToIslamicRepublic
نه به جمهوری اسلامی

اقدام جهانی آوریل
Global April Action

پیمان آوریل

ایران: امروز، فردا، همیشه،
نه به اعدام، نه به زندان سیاسی!

ما امضاء کنندگان این پیمان اعلام میکنیم که متحدانه و با تمام قوا علیه هر حکم و اجرای اعدام توسط جمهوری اسلامی به هر جرم و بهانه ای باشیم، مبارزه میکنیم و برای قطع فوری اعدام‌ها در ایران پیگیرانه میکوشیم.

ما اعلام میکنیم اعدام مجازاتی شنیع و ضد بشری، ابزار سرکوب و دیکتاتوری و قتل عمد حکومتی است؛ ضروری است هر شکل و صورت آن بدون استثناء و برای همیشه و در هر شرایطی لغا گردد. ایران آینده بی دار است.

ما امضاء کنندگان همچنین پیمان می بندیم که متحد و یکصدا برای آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و عقیدتی که در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی اسیر هستند، مستقل از عقیده و گرایش سیاسی آنان، مجدانه مبارزه کنیم. همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، همه دستگیر شدگان به بهانه‌های مختلف باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

ما برچیده شدن بساط جرم سیاسی و زندان سیاسی را امری ضروری و لازم برای جامعه می دانیم. هیچ‌کس نباید به دلیل عقیده یا بیان خود، شرکت در تجمع، اعتراض و اعتصاب، سازمان‌بایی در یک حزب سیاسی یا هر شکل دیگری، داشتن شیوه زندگی متفاوت با حاکمیت، نقد مقدسات ملی و مذهبی، گرایش جنسی یا تعلقات اتمیکی، مورد تعقیب، محرومیت یا زندان قرار گیرد.

آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکلیابی و تحزب، از حقوق پایه‌ای و بنیادی همه شهروندان در ایران فردا است.

#NoToIslamicRepublic
نه به جمهوری اسلامی

اقدام جهانی آوریل
Global April Action



پیمان آوریل

اسامی امضا کنندگان (۲۱ تا ۴۰)

۲۱. ائتلاف مستقل برای ایران آزاد
۲۲. ایران آزاد سوییس
۲۳. ایران پروتست مالمو-سوئد
۲۴. ایران پروتست هلسینگی-سوئد
۲۵. برمش - صدای زنان بلوچستان
۲۶. بنیاد حقوق بشر بلوچستان
۲۷. بنیاد راه ستار بهشتی
۲۸. بنیاد مهسا - دانمارک
۲۹. بلوک همگرایی جمهوری خواهان
۳۰. پزشکان ایرانی-کانادایی حامی حقوق بشر
۳۱. پل‌های همبستگی
۳۲. تغییر ساختاری همکاری‌محور
۳۳. تشکل انقلاب زنانه
۳۴. توانمندسازی همه بازماندگان برای التیام (Earth)
۳۵. جمعیت حقوق بشر آذربایجان (اوک)
۳۶. جمعی از زنان کنشگر در همبستگی با کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در تورنتو
۳۷. جمهوری خواهان ایران - سوئیس
۳۸. حزب جمهوری‌خواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران
۳۹. حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)
۴۰. حزب دموکرات کردستان ایران

#NoToIslamicRepublic
نه به جمهوری اسلامی

اقدام جهانی آوریل
Global April Action

BOYCOTT

Iran's killer regime!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

پیمان آوریل

اسامی امضا کنندگان (۶۱ تا ۸۰)

۶۱. سازمان بین‌المللی هانای روز هلات
۶۲. سازمان حقوق بشر هانا
۶۳. سازمان حقوق بشری رونی ماف
۶۴. سازمان حق زن - سوئد
۶۵. سازمان جوانان کمونیست
۶۶. سازمان زنان استرالیای جنوبی
۶۷. سازمان زنان کردستان ایران
۶۸. سازمان ماموریت حیات تازه خاورمیانه
۶۹. سولیداریتی ایرانیان ونگوور
۷۰. شورای راهبردی جمهوری خواهان داخل ایران
۷۱. شورای همکاری بلوچستان
۷۲. شورای ملی اهل سنت ایران
۷۳. شورای ملی تصمیم ایران
۷۴. شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران
۷۵. شبکه جمهوری ایران
۷۶. شبکه زن، زندگی، آزادی بلژیک
۷۷. شبکه فراگیر زن، زندگی، آزادی برای تشکیل شورای هماهنگی و رهبری (ایران آلترناتیو)
۷۸. شبکه همکاری‌های جنبش زن، زندگی، آزادی در ایتالیا
۷۹. شبکه ندای زاگرس
۸۰. شش‌رنگ (شبکه لژیون‌ها و ترنسجندرهاى ایرانی)

#NoToIslamicRepublic
#نه_به_جمهوری_اسلامی

اقدام جهانی آوریل
Global April Action

پیمان آوریل

اسامی امضا کنندگان (۴۱ تا ۶۰)

۴۱. حزب دموکرات مسیحی ایران
۴۲. حزب دمکراتیک آذربایجان
۴۳. حزب دمکراتیک پارسان
۴۴. حزب کمونیست ایران
۴۵. حزب کمونیست کارگری ایران
۴۶. حزب گومله کردستان ایران
۴۷. حزب مردم بلوچستان
۴۸. حامیان مادران پارک لاله - فرزنو
۴۹. خانه ایران
۵۰. خاوران
۵۱. دادخواهان ایران
۵۲. دادخواهان کردستان
۵۳. دماوند
۵۴. دیدبان حیات: شبکه درمانگران حقوق بشر ایران
۵۵. رادیوپيام
۵۶. رویش
۵۷. زن زندگی آزادی - بلوک نهادهای شهری جمهوری خواه
۵۸. زن زندگی آزادی - فلورانس
۵۹. زن، زندگی، آزادی برای صلح و عدالت
۶۰. زن، زندگی، آزادی مونیخ

#NoToIslamicRepublic
#نه_به_جمهوری_اسلامی

اقدام جهانی آوریل
Global April Action

پیمان آوریل

اسامی امضا کنندگان (۱۰۱ تا ۱۱۴)

۱۰۱. گروه زن، زندگی، آزادی گوتنبرگ سوئد
۱۰۲. مدافعان حق کودکی در ایران
۱۰۳. نهاد انسان آزاد
۱۰۴. نهاد نه به تابو نه به خشونت علیه زنان
۱۰۵. نهاد همگرایی جمهوری خواهان ایران - استکهلم
۱۰۶. ونداد
۱۰۷. ونگوور برای ایران
۱۰۸. همبستگی برای دموکراسی در ایران
۱۰۹. همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران
۱۱۰. همگامی برای جمهوری سکولار دموکرات در ایران
۱۱۱. هیوا لایف

جمع هایی که از ایران از این پیمان حمایت کرده اند:

۱۱۲. جمعی از مادران دادخواه دیمه خونین
۱۱۳. جمعی از پدران دادخواه
۱۱۴. جمعی از خانواده های دادخواه دهه ۶۰

#NoToIslamicRepublic
#نه_به_جمهوری_اسلامی

اقدام جهانی آوریل
Global April Action

پیمان آوریل

اسامی امضا کنندگان (۸۱ تا ۱۰۰)

۸۱. صدای ایران
۸۲. صدای مستقل آزادی فعالان گیلان
۸۳. قربانیان و دادخواهان خیزش زینا
۸۴. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۸۵. کانون حامیان عدالت
۸۶. کانون فرهنگ و هنر فرزنو (کالیفرنیا)
۸۷. کانون همکاری نهادهای جمهوری خواه ایران
۸۸. کارزار برای آزادی
۸۹. کارزار جهانی نه به اعدام در ایران
۹۰. کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۹۱. کمپین برای آزادی وریشه مرادی
۹۲. کمپین دختران دادخواه
۹۳. کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران
۹۴. کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۹۵. کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایران
۹۶. کنگره مشترک جمهوری خواهان دموکرات و فدرال دموکرات
۹۷. کنگره ملیت‌های ایران فدرال
۹۸. کنشگران حقوق بشر ایران
۹۹. گروه ایرانیان جمهوری خواه استرالیا (یار)
۱۰۰. گروه حقوق بشر بلوچستان

#NoToIslamicRepublic
#نه_به_جمهوری_اسلامی

اقدام جهانی آوریل
Global April Action